

یکشنبه ششم آذر ماه ۱۴۰۱

نشست نهم؛ سال دوم؛ فقه هنر؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا و عينا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طويلا

### بررسی روایات مرتبط با نواختن آلات موسیقی

اگر مستحضر باشید ما بعد بحث غنا وارد بحث موسیقی به معنای نواختن آلات شدیم؛

ما با غنا خیلی مشکلی نداریم و اگر بحثی هست بر سر موسیقی است .

موقعیت این بحث را ما هفته گذشته گفتیم

اگر یادتان باشد من گفتم چیزی به اسم موسیقی نداریم؛ لذا اگر بخواهیم بگردیم چیزی تحت عنوان آلات لهو، و استعمال آلات لهو باید بررسی کنیم و کاری که بیان کردیم این بود: مساله نواختن آلات طبیعتا مبتنی بر برخی از پیش زمینه ها است؛ مثلا لعب، لهو و لغو... کسی این ها را حرام بداند یا نه... و سوالاتی را هم مطرح کردیم: اگر خواستیم سراغ اخبار ببینیم آیا نواختن آلات صرف استعمال حرام است؟

یا آلاتی که از آن موسیقی در بیاید ...

آیا صرف همان صدای آلات موسیقی حرام است یا به واسطه چیزهایی که با آن همراه می شود، حرام است؟

برخی مراجع حتی صدای طبل را هم حرام می دانستند ...

ولو شما روز عاشورا و روز جنگ باشد یا مارش نظامی باشد

یا ممکن است بما هو لهو... حرام باشد

ونظر دیگر این که :

شاید اگر وسیله گریاندن هم باشد چه بسا ثواب هم دارد

و این هفته وقتی سراغ ادله می رویم باید ببینیم ادله به ما چه جواب میدهد..

از کلمات فقها، تقلیدا مطالبی بیان شده اما اجتهادا چیزی نگفته اند...

من اول آدرس منبعی که در این باره دارم، بیان کنم

وسائل ، ابواب ما یکتسب به ، باب ۱۰۰

یک بخشی از روایات در این باب ۱۰۰ هست و بخشی از آن در باب ۱۰۱ و ۱۰۲ هست ؛

گرچه ما نیاز به بررسی سند نداریم این جا روایت ما مستفیض است .

اگر خواستیم استفاده خاص کنیم سند را هم بررسی می کنیم؛ سند را هم تفنی اشاراتی می کنیم.

ح اول باب ۱۰۰ ج ۱۰ ص ۳۱۲

محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن عثمان بن عيسى عن اسحاق بن جرير.....

محمد بن یعقوب که مشخص است و عده من اصحابنا گفته من مرادم از عده چه کسانی هستند....

احمد بن برقی قمی (پدر و پسر؛ که پسر موجه تر از پدر هم هست) عثمان بن عیسا که معتبر است و اسحاق بن جریر هم معتبر است لذا خبر هم می شود موثقه ....

اسحاق می گوید:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفَنْدَرُ إِذَا ضُرِبَ فِي مَنْزِلِ الرَّجُلِ أُرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْبُرْبِطِ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عَضْوٍ مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْحَةً فَلَا يِعَارُ بَعْدَ هَذَا حَتَّى تُؤْتَى نِسَاؤُهُ فَلَا يِعَارُ .

امام صادق علیه السلام : شیطانی است به نام قَفَنْدَر، که هرگاه در منزل مردی چهل بامداد بربط نواخته شود و مردها بر آن وارد شوند، آن شیطان هر يك از اعضای بدن خود را بر روی اعضای همانندش در بدن صاحب خانه بگذارد و سپس در او بدمد، که از آن پس دیگر غیرتی برایش نماند، به طوری که پیش زنانش بیایند و او غیرت به خرج ندهد.

حضرت در واقع تجسم اعمال را می گویند....واین که هر انسانی به عملش تعریف می شود.

در قرآن ، انسان را تعریف نکرده: حیوان ناطق...

قرآن انسان را به عمل تعریف می کند:

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

یا جایی که می گوید:

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ....

.....

برخی می گفتند ذا مقدر هست ذا البر .....

این ها توجیه تراشی است ؛ اگر قرآن می خواست این گونه بیان کند، خودش می گفت، این حذف بر چقدر زیبایی می آورد که قرآن نیاورده است ؛ مهم این است که ما بدون سوسید دادن قرآن را تفسیر کنیم ... این که بگوییم فلانی گفته ذا را مقدر بگیریم بعد یا قبل فلان کلمه ، این ها قابل قبول نیست.

لكن البر من آمن ....

گویا می خواهد قرآن بفرماید که انسان به عملش تعریف می شود.

تجسم اعمال بعد است والا واقعیت اعمال همین الان هم هست....

قیامت هم تبلی السرائر هست نه توجد السرائر ....

این که گفته می شود انسان ها روز قیامت به صور گوناگون محشور می شوند ؛ الان هم این صور را دارند منتها بنا نیست هویدا شود.

یا آیه :

أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ  
عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

این جا قرآن ، اشخاص را به کارشان معنی و معرفی می کند....

کار آن ها را عارض بر شخصیت آن ها می داند اما قرآن ، امام علی علیه السلام را این گونه توضیح می دهد:  
کمن آمن بالله ...

در معرفی منافقین ، قرآن مدعی است که انفاق خود شخص را پرورش می دهد....

**حدیث دیگری:**

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ قَالَ: مَنْ ضَرَبَ فِي بَيْتِهِ بَرْبَطَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا  
سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفْنَدُرُ فَلَا يُبْقِي عُضْوًا مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَعَدَ عَلَيْهِ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ نُزِعَ مِنْهُ  
الْحَيَاءُ وَ لَمْ يُبَالِ مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ فِيهِ.

**حدیث دیگر از امام صادق (علیه السلام)**

عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَّازِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ كُتَيْبِ الصَّنِيدَاوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ضَرَبَ الْعِيدَانِ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْخُضْرَةَ .

سوال این است که آیا ، حرمت از این اصطیاد می شود؟

حدیث بعدی:

احمد بن یوسف بن عقیل از پدرش از موسی بن حبیب از علی بن الحسین (رجال این روایت شناخته شده نیستند) : امام علیه السلام فرمودند:

عن سهل، عن أحمد بن يوسف بن عقیل ، عن أبيه ، عن موسى بن حبيب ، عن علي بن الحسين ( عليهما السلام ) قال: لا يقدر الله أمة فيها بربط يقعقع ، وناية تفجع .

حدیث بعدی:

از سماعة نقل است که امام صادق (ع) فرمود: «لَمَّا مَاتَ آدَمُ (ع) وَ سَمِيَ بِهٖ اِبْلِيسُ وَ قَابِلُ فَاجْتَمَعَا فِي الْاَرْضِ فَجَعَلَ اِبْلِيسُ وَ قَابِلُ الْمَعَارِيفِ وَ الْمَلَاهِي سَمَاتَةً بِآدَمَ ع فَكُلُّ مَا كَانَ فِي الْاَرْضِ مِنْ هَذَا الصَّرْبِ الَّذِي يَتَلَدُّ بِهٖ النَّاسُ فَاِنَّمَا هُوَ مِنْ ذَاكَ؛ و قتي حضرت آدم (ع) درگذشت، ابليس و قابیل خوشحال شدند و او را شماتت کردند. آن گاه این دو اجتماع کردند و به منظور شماتت حضرت آدم (ع) و ابراز خوشحالی از مرگ او، به نواختن ساز پرداختند. از آن پس هر چیزی که در زمین از این نوع وجود دارد که مردم به واسطه این ساز آن لذت می‌برند، از آن قبیل است.

بحث این است که از این حدیث هم حرمت اصطیاد نمی شود.

البته شاید این ها تشبیه معقول به محسوس باشد و به نوعی بیان سمبلیک باشد ...

شاید می خواهند عنوان کنند که این سازها ریشه شیطانی و قابیلی دارد و آن را در این قالب بیان می کنند .

حدیث بعدی:

علی بن ابراهیم قمی از سکونی از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله :

قال رسول الله (ص) انهاکم عن الزفن و المزمار و عن الکوبات و الکبرات .

زفن: رقص مزمار: آلت موسیقی کوبات جمع کوبه به معنای شطرنج یا طبل کوچک و الکبرات: طبل بزرگ

ماده نهی دلالت بر حرمت دارد مگر این که خلافش ثابت شود.

حدیث بعدی باز از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله:

عنه صلى الله عليه و آله : ثلاثٌ يُقسِيَنَّ القَلْبَ : اسْتِمَاعُ اللّهِوِ ، وَ طَلْبُ الصَّيْدِ ، وَ إِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ .  
پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : سه چیز دل را سخت می گرداند : شنیدن لهو، شکار کردن، و آمد و شد به دربار سلطان.

حدیث بعدی از امام صادق علیه السلام وقتی از انسان های نادان سوال شد:  
از امام صادق علیه السلام . لَمَّا سُئِلَ عَنِ السَّفَلَةِ . : مَنْ يَشْرَبُ الحَمْرَ وَ يَضْرِبُ بِالتُّنْبُورِ .  
در پاسخ به سؤال از فرومایه . فرمود : کسی که شراب می خورد و تنبور می زند.  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَا تَدْخُلُ الملائكةُ بيتاً فيه خَمْرٌ أَوْ دِفٌّ أَوْ طَنْبُورٌ أَوْ نَرْدٌ وَ لَا يُسْتَجَابُ دَعَاءُ هُمْ وَ تَرْتَفِعُ عَنْهُمُ البركةُ .  
فرشتگان وارد خانه ای که در آن شراب یا دایره یا طنبور (نوعی از آلات موسیقی) و یا نرد (نوعی وسیله قمار) باشد، نمی شوند و دعای اهل آن خانه مستجاب نمی گردد و برکت از آنان برداشته می شود.....

روایتی دیگر از امام علی علیه السلام : كَلِّمَا أَلْهَى عَنِ ذِكْرِ اللّهِ - فَهُوَ مِنَ المَيِّسِرِ .  
امام علی علیه السلام : هر چیزی که از یاد خدا غافل گرداند، آن چیز در شمار مَیْسِر است.  
تاملی بر این روایات داشته باشید تا هفته آینده ...

